

در خواست نیاز‌های مدرن از نظام اداری سنتی!

نظام اداری در ایران مانند بسیاری از دستاوردهای دیگر اجتماعی، پدیده‌ای خودجوش و درون‌زا نبوده و به نوعی کالایی وارداتی است که با‌الهام از نمونه‌های دیگر شکل گرفته و رشد و تکوین یافته است، لذا این نظام در کشور ما در ادوار مختلف با فراز و فرودهایی مواجه و در یک نگاه کلی دچار یک چرخه معیوب بوده است.

نظام اداری کشور فاقد قوانین مشخص، مصرح و تفسیر ناپذیر می‌باشد و این همواره سیاست یک‌پام و دو هوا را نصیب این نظام و مردم نموده است. از این رو پس از پیروزی انقلاب توجه به ساختارهای اداری، بازنگری در آن و بی‌بریزی یک نظام اداری وشفاف و پویا و به روز و مؤثر، از جمله شعارها و سیاست‌های مورد توجه قانونگذاران، سیاستمداران، برنامه‌ریزان و دست‌اندر کاران کلان و خرد کشور بوده و است.

با تشکیل شورای عالی اداری کشور در دهه ۲۰، این‌شورا تمسیت‌نظام اداری و ساماندهی آن را بر عهده گرفته و با رشد و گسترش این نظام در طول زمان، سازمان امور اداری و استخدامی کشور پس از یک دوره بلند مدت در سال ۱۳۴۵ تأسیس شد تا ماجری و هادی‌قانون استخدام کشوری که توسط کارشناسان امریکایی‌ها و یک شرکت فرانسوی و به کمک برخی از کارشناسان ایرانی تهیه شده بود باشد. در خرداد سال ۱۳۴۵ تأسیس این سازمان توسط مجلس شورای ملی وقت مصوب شد. سازمان امور اداری و استخدامی کشور از زمان تأسیس به صورت عام و طی سه دهه اخیر به طور خاص، روندی متناوب داشته تا جایی که به تدریج منحنی رشد نظام اداری کشور از اوج به پایین تمایل پیدا کرده و این نظام در مقایسه با سایر شئونات اجتماعی رشد متناسب و منطقی نگرده است، هرچند این روند ناقص و معیوب، خود تأثیرگذار بر سایر ابعاد جامعه نیز است.

نگاهی کلی به وضعیت سازمان نشان می‌دهد با آغاز دهه ۶۰ و دوران جنگ تحمیلی کمتر به تقویت تخصص گرایی و برنامه‌ریزی در سازمان امور اداری و استخدامی کشور و ارتقای سطح کیفی و کمی آن متناسب با نیاز روز توجه شد و متأسفانه به تدریج نیروهای حرفه‌ای و کارشناسان کار بلد سازمان، ترک کار کرده یا بازنشسته یا باز خرید شدند یا در دیگر دستگاههای اجرایی کشور ما وا گزیدند.

تداوم این وضعیت در سال‌های بعد چنان رویه تر اید گذشت که از یک‌سو سازمانی که قرار بود راهبر نظام اداری باشد به سازمانی تبدیل شد که به تعبیر دست‌اندر کاران مانعی برای انجام وظایف سایر دستگاه‌ها شده

و نقش رهبری و پیشرویی آن به نقشی سلبی و بازنارنده در نظام اداری تبدیل شد و از طرف دیگر با محاق قرار گرفتن اقدامات کارشناسی، به تدریج انورتبه سازمان در نظام اداری کاهش یافت و باحاکم شدن روحیه توسعه‌پسندانفکری و صلاحیتهای کارشناسی انجام گرفت، این سازمان را بی هویت و دچار حجهه کرد تا جایی که در برخی موارد و به صورت موجهی فاقد ابزارهای لازم و اثرگذار، بی تأثیر نبود.

بر این سبباق و برای رفع کاستی‌های موجود، سازمان امور اداری و استخدامی کشور چندین بار مورد تغییر و تحول مدیریتی، انحلال و ادغام قرار گرفت. اینس دگر گونی‌ها که به نظر می‌رسد در مقاطعی بدون پیش‌اندفکری و صلاحیتهای کارشناسی انجام گرفت، این سازمان را بی هویت و دچار حجهه کرد تا جایی که در برخی موارد و به صورت شفاف، از نقش آفرینی در اصلاح بوروکراسی، اصلاح ساختارها و اصلاح نظام حقوق و دستمزود انتصاب مدیران بازماند و به‌ناچار و با توفیق اجباری، سایر سازمانها، روز افزونها و نهادها و شرکت‌ها را نوانوم استخدام کشوری منفک و هر کدام برای خود سازمان امور اداری و استخدامی مستقلی شدند، البته حضور مدیران ناکامل و کارشناسان ناکامل‌مدتر از سازمان امور اداری و استخدامی کشور، نقش بی‌بدیلی در این سقوط و اضحلالات داشت.

سازمانی که باید متولی نظام اداری، پاسخگوی این نظام به مردم و ارتقای سطح کیفی خدمات دولت باشد و معیشت نزدیک به ۲ میلیون انجام دولت و سایر افرادی که به نحوی در حوزه‌های خدماتی و اجتماعی انجام وظیفه می‌کنند را فراهم آورد و از حقوق آنها در بخش کشور دفاع کند، به چنان مرحله‌ای در تاریخ فعالیت خود رسید که حتی نتوانست وضعیت رفاهی کارکنان خود را بهبود بخشد.

از طرف دیگر به خاطر تغییر مقدور قانون استخدام کشوری مصوب سال ۱۳۴۵، تفسیرهای متعدد آن ودرج الحاقیه و بخشنامه بر بخش‌های گوناگون آن، کارآمدی خود را از دست دادو به تدریج نظام اداری کشور به مرحله فعالیتهای جزیره‌ای و مستقل از یکدیگر رسید، این روند اندیشه ادغام و پیوست با سازمان برنامه و بودجه را شکل داد تا بلکه گرهی از مشکلات نظام اداری کشور با وجود که نشد و گرهما همچنان ناگشوده باقی ماند. چهره و ماهیت واقعی این ناگشودگی را باید در عدم ادغام واقعی فعالیتها در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی جست‌وجو کرده نبود انسجام در وظایف مربوط به برنامه‌ریزی، نظام اداری اعم از منابع انسانی و مالی.

این عدمهمبستگی فعالیتها، در دویاره شدن مجدد سازمان به‌خوبی عیان گشت، چنان که با گذشتن خطکش و با یک برش افقی به راحتی معاونت نیروی انسانی سازمان مدیریت تبدیل به سازمان اداری و استخدامی شد با شکلگیری دولت دهم سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی که باید با تحولی عمیق و کالبد شکافی ساختاری، به سوی عجین شدن فعالیتها و حاکم شدن رویکردهای نوین به عوض تفکرات سنتی در ابعاد و جنبه‌های مختلف نظیر بودجه‌ریزی یا ساماندهی منابع می‌شد، به دو مجموعه‌ای تبدیل شد که پاسخگوی به مطالبات نظام اداری را با مشکل روبه رو کرد. از طرف دیگر این دوران مقارن شد با اجرای آزمایشی قانون مدیریت خدمات کشوری. اجرای آزمایشی این قانون شرایط ثبات و سکون را برای بخش‌ها نتایج حاصله برارزش و اصلاح و تبدیل به جریانی ثابت شود. نگاشتن بیاداست که شرایط بودجه ریخته سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و اجرای آزمایشی قانون نویداز چه می‌داد.

نتیجه تصمیم در باز نگری و انحلال سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و تأسیس دو معاونت مستقل از یکدیگر نیز از پیش معلوم بود، با‌هم تعدادی دیگر از حرفه‌ای‌های سازمان رفتند. عده‌ای باز نشستت و عده‌ای هم منزوی شدند. اگر چه در دولت یازدهم به‌رغم شعارهای انتخاباتی برای احیای سازمان در ۱۰۰ روز، بالاخره سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در حدود یک سال و اندی از گذشت عمر این دولت شکل گرفت، اما شش ماه بعد با روش‌نهادی حقوقی نجومی و به تعبیر برخی نامتعارف، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی منحل و شرایط دویاره به گذشته برگشت. به استناد حضور مدیران، سابقه فعالیت و تفکر حاکم بر آنها، امروزه نظام اداری قدم در راهی گذاشته که بیش از ۳۰ سال است رهروان است و هر سال، با تغییر دولت یا طلوع خورشید سال نوبه، به دنبال نظام اداری نوینی هستیم که در ارزیایی سال بعد آن، نشانی از نویداندازه بار کردن پیچ‌های رنگ زد با دست که موجب جراتحت آن شده و زخمی استبی می‌رهم بر نظام اداری، آموزشی، اقتصادی، صادرات و واردات و…

برای رسیدن به چشمانداز ۱۴۰۴ کشور باید سازمان امور اداری و استخدامی کشور و سازمان برنامه و بودجه مملو از زبده ترین و حرفه‌ای ترین نیروها در این دو سازمان شودوتا با مدیریتی تورنگر و خردمحور فعالیت کنند. بزگان و دانشوران نظام و ایران باید مانع رفتن نیروهای حرفه‌ای و زبده از دوسالمان فوق شوند و با تشکیل مجموعه‌ای مرکب از مدیران و کارشناسان با سابقه و با تجربه به همچنین مدیران و کارشناسان جوان که صاحب علوم و ایده‌های جدید هستند تحولی امید بخش در نظام اداری، استخدامی و سازمان برنامه و بودجه ایجاد کنند تا مردم نسبت به حل مشکلات موجود و شکلگیری چشمانداز روشنی از آینده ایران امیدوار تر شوند.

گزارش یک هادی غلامحسینی

گزارش یک

هادی غلامحسینی

وزارت امور اقتصادی و دارایی

شماره ۵۰۶۰ | روزنامه جوان | شماره ۱۰ رجب ۱۴۲۸ |

بانک‌ها از کدام محل سود علی‌الحساب ۲۰۰هزار میلیاردی پرداخت می‌کنند

منابع ۹۰۰ هزار میلیارد تومانی در بخش سپرده‌های بانکی متعلق به کیست؟!



وقتی عموم مردم ایران آن ندارند تا بالا ناله سودا

کنند، باید دید ۹۰۰هزار میلیارد تومان منابعی

که در بخش سپرده‌های بلند مدت شبکه

بانکی وجود دارد، متعلق به کدام اشخاص

حقیقی و حقوقی است و چا دارد دولت یازدهم

و بانک مرکزی و شبکه بانکی مشخص کنند

سود و یاداش این حجم از دارایی که سالانه

بالغ بر ۲۰۰هزار میلیارد تومان می‌شود از

کدام بخش اقتصادی ایران تأمین می‌شود.

آیا این سودها حقیقی هستند یا کاغذی!

به گزارش «جوان»، نرخ سود سالانه سپرده

بانکی در ایران بالغ بر ۲۰ تا ۲۵ درصد است،

این در حالی است که طبق آخرین آمار منتشر

شده توسط بانک مرکزی حدود ۹۰۰ هزار

میلیارد تومان منابع در بخش سپرده‌های

مدت‌دار بانکی موجود است. این منابع بالغ بر

۲۰۰ هزار میلیارد تومان پاداش، جایزه یا سود

پرداخت کند، حال این برپرسش مطرح می‌شود

که با این اوضاع خراب مالی عموم مردم ایران،

منابع مالی بانکی برای چه اشخاصی است و

بانک‌ها که خود دچار چالش کمبود نقدینگی

و مالی هستند از چه حجلی سودم مذکور را

تأمین می‌کنند.

اختلاف بین تورم مورد ادعای دولت (تک

رقمی) تا نرخ سود سپرده سالانه بانک و نرخ سود

تسهیلات بالغ بر ۲۰ تا ۲۵ درصد است، محال

باید نرخ سود تأمین مالی ۲۰ درصدی تسهیلات

بانکی خود به تورم و بیسکاری در جامعه منتج

می‌شود یا خیر؟

چخیر

گزارش یک

هادی غلامحسینی

وزارت امور اقتصادی و دارایی

شماره ۵۰۶۰ | روزنامه جوان | شماره ۱۰ رجب ۱۴۲۸ |

اقتصاد

سرویس اقتصادی۸۸۹۸۴۳۰

وزارت امور اقتصادی و دارایی

شماره ۵۰۶۰ | روزنامه جوان | شماره ۱۰ رجب ۱۴۲۸ |

بانک‌ها از کدام محل سود علی‌الحساب ۲۰۰هزار میلیاردی پرداخت می‌کنند

منابع ۹۰۰ هزار میلیارد تومانی در بخش سپرده‌های بانکی متعلق به کیست؟!

خور را از پس‌اندازشان تأمین کنند اما بانک

مرکزی می‌گوید ارانه سود بالا، نشانه موقبت

بانک نیست.

در این میان، شرایطی که اکنون بر بازارهای

مختلف در اقتصاد ایران حاکم است، فلش

سودآوری مطمئن و بی‌دغدغه، بدون مالیات و

از دست رفتن بخشی از اصل سرمایه را به سمت

بانک‌ها هدایت می‌کند؛ بانک‌هایی که اکنون

محل امنی برای سپرده‌های خرد مردم شده‌اند و

حداقل مبالغ مطمئنی را برای آنها به عنوان سود

به همراه دارند؛ یعنی یک سپرده‌گذار، این دغدغه

را ندارد که سود پولش کم و زیاد شود یا اینکه

بخشی از آن به عنوان مالیات از کف او برود.

در چنین وضعیتی، بانک‌ها نیز که با مضمیقه‌های

بسیاری مواجهند و بخش عمده‌ای از دارایی‌های

آنها، منجمد بوده و در ساختمان‌هایی بلوکه شده

که بازارشان کساد است، ترجیح می‌دهند با هر

روشی که شده، حتی رقابت‌های ناسالم بانکی،

منابع مالی مردم را به سمت خود هدایت کنند؛

و همین دلیل، طرح‌های جذابی را هر چند وقت

یکبار رومی‌کنند.

عمده این طرح‌ها با محور توزیع بیشتر سود بین

سپرده‌گذاران متمرکز است و بانک‌ها تلاش

دارند از هر فرصتی استفاده کنند تا بلکه منابع

مالی مردم را به سمت خود جلب کنند، البته آنها

کف و حداقلی‌را هم برای جذب سپرده‌ها و ارائه

سود بیشتر از حد معمول برگزیده‌اند که اعداد و

ارقام متفاوتی را در بر می‌گیرد. حال سیاستگذار

پولی و بانکی به صراحت به مردم هشدار می‌دهد

که ارائه سود بالا، نشانه یک بانک موفق نیست و

مجموع هزینه یک پروژه از دهک دهم (ترومند)

طی سال ۹۳ معادل ۱۰۴ میلیون و ۲۹۲ هزار

تومان بوده است. این موضوع اختلاف ۹۷ میلیون

و ۱۵۴ هزار تومانی را در هزینه پایین‌ترین طبقه و

بالاترین طبقه‌ی یک طی سال نشان می‌دهد.

برآورد مرکز آمار و بانک مرکزی از میزان هزینه و

درآمد خانوار در دهک‌های مختلف درآمدی نشان

می‌دهد اختلاف زیادی میان دهک‌های بالا و پایین

وجود دارد و همین امر ضمن ایجاد طبقات پرخورار

و محروم در جامعه تبعات اجتماعی و اقتصادی

بدی را در کشور پدید آورده است. کارشناسان

ضعف تقاضا در اقتصادهای نفتی را پدیدهی بسیار

خطرناک عنوان می‌کنند، به ویژه آنکه این رویداد با

کود اقتصادی هم عین شده باشد.

فروپاشی قدرت خرید طبقه متوسط و پایین‌تر از

متوسط ریشه اصلی این بحران تقاضا در اقتصاد

است. بر این اساس شکافی چشمگیر در میزان

درآمد و هزینه خانوار طی این سال‌ها ایجاد شد

که ناشی از تورم بالا و همچنین افزایش نرخ ارز

است و متأسفانه میزان افزایش دستمزدها در

طبقه متوسط و پایین‌تر از آن بسیار کمتر از رشد

هزینه بوده است.

قرب سود بالای بانک‌ها را نخورید

سال نو شروع شده و مردم در فکر این هستند پول

خود را کجا بپرند که بتوانند بخشی از هزینه‌های

سنت مثبت شدن پیش رفت و در مجموع در این سال‌ها روند رو به رشد بوده این در حالی است که دولت قیل هیچ کاری برای ایجاد اشتغال نکرده و حجم زیادی از بیکاران از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی گرفته تا دیگر اقشار به این دولت به ارث رسیده اما آنچه از نرخ بیکاری خطرناک‌تر است نرخ پایین مشارکت است.

وی افزود: امروز نرخ مشارکت خانم‌ها در اقتصاد ۱۶ درصد و نرخ مشارکت آقایان ۶۶درصد است و در مجموع این نرخ زیر ۲۷ درصد است این بدان معناست که هر فرد شاغل حداقل سه تا چهار نفر را باید حمایت کند.

این استاد دانشگاه افزود: تمامی کشورها همواره به گزارش تسنیم، حسین عبده تبریزی با بیان اینکه نرخ رشد در سه فصل پیاپی سال ۹۵ به ترتیب ۷/۵درصد، ۱۱ در صد و ۱۵ درصد بود که می‌توان گفت نرخ رشد ۱۰ درصدی را داشتیم، افزود: بخش قابل توجهی از این رشد اقتصادی مرتب با افزایش درآمدهای نفتی بود که قطعاً قابل تکرار نیست اما در عین حال این رشد در کنار تورم زیر ۱۰ درصدی و ایجاد اشتغال دولت اصلاحات ادامه می‌یافت

وی گفت: با این وجود نمی‌توان گفت رکود داریم هر چند مردم این رشد را ممکن است احساس نکنند.

این اقتصاددان و استاد دانشگاه گفت: هنوز رشد حادث شده از ناحیه نفت به اقتصاد تریق نشده است و اینکه مردم رشد را در زندگی خود احساس نمی‌کنند ناشی از این امر است اما به هر حال نرخ تورم کنترل شده است.

عبده تبریزی افزود: دولت یازدهم در حالی دولت را تحویل گرفت که نرخ رشد منفی بود، به تدریج این نرخ منفی ابتدا به صفر نزدیک شد و سپس به



ناکامی ۳ دولت در اجرای صحیح سهام عدالت

میانگین بازدهی ۱۰ساله سهام عدالت یعنی ۱۰در صد هم نبود!؟



دولت‌های نهم، دهم و یازدهم با موضوع سهام عدالت درگیر

بودند و علی‌القاعده اگر سهام عدالت (با هر ارزش روزی) طی

۱۰سال منتهی به سنال مالی ۹۵ فقط به میانگین سنالی

۱۰درصد سود داشت، علی‌القاعده مابیه ازای ارزش سهام

عدالت باید بسود به خزانه دولت واریز و سهام عدالت آزادسازی

می‌شد، حال مستولان امر توضیح دهند چطور نتوانسته‌اند

با سالانه ۱۰درصد از دارایی ارزشمندی چون سهام عدالت که

بهترین شرکت‌ها در این سید حضور دارند، بازدهی کسب کنند.

اگر میانگین بازدهی ۱۰ساله سهام عدالت فقط ۱۰درصد بود، امروز

که در سال ۹۶قرار داریم باید کل اقساط دولت پرداخت و سهام عدالت

آزاد می‌شد اما امروز بخش زیادی از جمعیت ۵۰میلیونی سهام عدالت

برای ارزش‌های سهام خود باید در حدود ۵۰۰هزار تومان سهم به دولت

پول بدهند و تازه در این میان بخشی از شرکت‌ها هم در دولت یازدهم از

سید سهام عدالت خارج یا اینکه با سهم‌هایی غیر از زنده جایگزین شد.

مکتانیسم سهام عدالت ایکنونه بود که مابه ازای سهام اختصاص یافته به

مشمولان باید طی ۱۰ سال از محل سود شرکتها پول به خزانه دولت

واریز می‌شد تا مالکیت توام با مدیریت به مردم واگذار شود.

به‌طور نمونه اگر در زمان انتقال سهام شرکت‌های دولتی اعم از

۴۰هزار میلیارد تومان بوده باشند، باید از محل سود شرکت‌های

سید سهام عدالت به‌طور میانگین سالانه ۴ هزار میلیارد تومان به

حساب خزانه دولت واریز می‌شد تا بعد از ۱۰ سال کل سهام به ۵۰

میلیون باریان شده سهام عدالت انتقال می‌یافت و اقساط دولت هم به

طایمی می‌رسید، حال باید دید چراسید سهام عدالت سالانه حتی به

میزان ناچیز ۱۰در صد هم بازدهی نداشته تا در سال ۹۵ کل سهام

آزاد شود، البته شاید گفته شود سنال انتقال دارایی دولت به سهام

عدالت متفاوت بوده است، اما برای اینکه افکار عمومی قانع شود که

فسادی در سهام عدالت رخ نداده است و آن خبر مافیای ۲۵۰نفره

سهام عدالت که از سوی رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس عنوان

شد، صحیح نبوده است، لطفاً سازمان خصوصی‌سازی و وزارت

اقتصاد هر آن چیزی که در ۱۰ سال گذشته بر سر سهام عدالت آمده

را جهت تنویر افکار عمومی منتشر کنند.

با نگاهی به ناکامی سهه دولت در اجرای طرحی چون سهام عدالت که

درصد تقویت بخش تعاون و همچنین طبقات نیازمند جامعه بود

می‌توان متوجه شد که ساختار اداری و دیوانی کشور در اجرای یک طرح

مثبت و خوب چنان عمل می‌کند که مزیت‌های طرح به دلیل طولانی

شدن مدت اجرا و مفسادی که در دوره اجرا شکل می‌گیرد به‌طور کل از

بین می‌رود و امروز سهام عدالت به طریج تبدیل شده است که ساختار

تصمیم‌گیری در هیئت مدیره شرکت‌های سهام عدالتی و به تبع برخی

از صنایع مهم کشور را با چالش جدی مواجه کرده است.

گریه‌های خیر

نگاهی به معاملات تالار شیشهای در هفته گذشته



چشم طمع «ونیک» به سهام خود رو

از نکات قابل توجه بازار سرمایه در سال جدید این است که در گروه ایران خودرو، سرمایه‌گذاری ملی ایران به جمع آوری زیرپوستی این سهم از بازار در محدوده صفر تا بلو اقدام کرده، این در حالی است که «ونیک» بیش از پایان سال ۹۵ از سوی بانک تجارت به یک شرکت حقوقی مرتب با مالک شرکت آلومینیموم همدانی فروخته شد.

در هفته گذشته در بورس تهران معاملات نسبتاً کم حجمی انجام پذیرفت.

طی سه روز کاری گذشته قندی‌ها شرایط متفاوتی را تجربه کردند، این

نمادها که در روز اول تا استانه ۵ درصد رشد کردند در دو روز پایانی شاهد

افت قیمتی بودند. در معاملات بورس اوراق بهادار تهران از ابتدای شروع

سال ۱۳۹۶ بوده می‌شود قندی‌ها شرایط مثبتی را تجربه می‌کنند، به طوری

که اکثر نمادهای قندی با صف خرید همراه بود و در روزهای دیده

شد که تمام نمادهای این گروه تا استانه ۵ درصد رشد کردند. در اولین روز

معاملاتی هفته گذشته نیز این صف خرید وجود داشت اما در دو روز پایانی

این هفته شرایط آنها تا حدودی متفاوت شد و تعداد زیادی از نمادهای آن

روند کاهش در قیمت پایانی را تجربه کردند.

در اولین روز از معاملات هفته گذشته سیمانی‌ها رشد قابل توجهی از

خود نشان دادند و به جز اندکی نمادهایی در این گروه مابقی شاهد

رشد نسبتاً خوبی بودند، به طوری که در تعدادی از نمادهای این گروه